

نکته‌ها (۲۰)

○ رضا مختاری

نکته (۹۷)

محدث عالی قدر نوری (رحمه الله) به مناسبتی در خاتمه مستدرک الوسائل (ج ۲۰، ص ۱۶) در باره شیخ انصاری می گوید:

ولقد حدثني بعض العلماء قال: كنت حاضراً في محفل قطب رحي الفقاهة شيخنا الأعظم الشيخ مرتضى (طاب ثراه)، فسأله الفقيه النبيه الشيخ مهدي النجفي، - سبط [كذا، والصواب: حفيد] كاشف الغطاء-، وقال ما معناه: إنه بلغني أن جنابك تحتاط في ثلاث تسيبحات كبرى في الركوع والسجود، فما وجهه؟ فقال (رحمه الله): «أنت أدركت أباك الشيخ علي؟» قال: نعم. قال: «كيف كان يصلي؟» قال: بثلاث تسيبحات كبرى. قال: «أدركت عمك الشيخ موسى؟» قال: نعم. قال: «كيف كان يصلي؟» قال: بالثلاثة. قال: «أدركت عمك الشيخ حسن؟» قال: نعم. قال: «كيف كان يصلي؟» فاجابه بمثل ذلك. فقال (رحمه الله): «يكفي في مقام الاحتياط مواظبة ثلاثة من الفقهاء في العمل».

یکی از علماء برایم نقل کرد: در مجلس فقیه بزرگ شیخ مرتضی انصاری حاضر بودیم و فقیه آگاه، شیخ مهدی نجفی نوۀ کاشف الغطاء از شیخ سؤال کرد: شنیده‌ام که جنابعالی در رکوع و سجود نماز تسبیحات کبری را سه مرتبه بنا بر احتیاط، لازم می‌دانید، دلیل آن چیست؟ شیخ انصاری فرمود: آیا پدرت، شیخ علی را دیده‌ای؟ گفت: بله، فرمود: چگونه نماز می‌خواند؟ گفت: تسبیحات کبری را سه بار می‌گفت. شیخ انصاری گفت: آیا عمویت شیخ موسی را دیده‌ای؟ گفت: بله، فرمود: چگونه نماز می‌خواند؟ گفت: به همان سه تسبیح کبری، فرمود: آیا عمویت شیخ حسن را دیده‌ای؟ گفت: بله، فرمود: چگونه نماز می‌خواند؟ او همان گونه جواب داد. شیخ فرمود: برای احتیاط، مواظبت کردن سه نفر از فقها بر عملی، کافی است.

نکته (۹۸)

علامه محقق معاصر آقای حاج سید محمد علی روضاتی (دامت إفاداته) در خصوص نشر رساله‌های عملیه پس از وفات شیخ الشریعه گوید:

از سال ۱۳۳۹ هـ. ق که آقای شریعت اصفهانی، مرجع تقلید وحید زمان و مورد قبول همگان، درگذشت، بازار تالیف و طبع انواع کتب و رسائل، به خصوص در نجف تا سال‌ها بسی گرم بود. گردآوری و بررسی آن آثار و ملاحظه صفحات عنوان و القاب و عناوین ثبت شده در آنها، خود موضوع مفید و عبرت‌آمیزی است. بلکه می‌توان گفت که آن وضع پس از فوت صاحب کفایه (م۱۳۲۹) به وجود آمد.^۱

بنده می‌افزایم که شایسته است صفحات عنوان و روی جلد و توقیع آغاز انواع و اقسام رسائل عملیه و مناسک حج، حواشی عروه و وسیله و منهاج و مانند آنها، و

۱. مکارم الآثار، ج ۷، ص ۲۶۱۰.

پاسخ به استفتائات در یکصد سال اخیر، جمع آوری، مرتب و در تعداد محدودی به شکلی زیبا چاپ شود و در اختیار خواص قرار گیرد که مایه بسی عبرت‌ها و درس آموزی هاست و شاید جلو بعضی مصائب را بگیرد و مانع برخی ترأس‌ها شود.

نکته (۹۹)

آیت الله شیخ ابوالمجد نجفی اصفهانی (اعلی الله مقامه) در وصف استادش آیت الله سید محمد فشارکی (رحمه الله)، در کتاب بس زیبا و خواندنی وقایع الأذهان گوید:

... وكان (سقى الله رمسه) قد فرغ نفسه الشريفة للعلم والعبادة و تحامى الرئاسة، ولو شاء أن يكون مرجعاً للتقليد لرميت إليه منها المقاليد، ولكنه لفظ الدنيا لفظ النواة، ورمها رمي الحجيج الحصة، ورأى الاجتناب عنها أولى، وأن الآخرة خير له من الأولى. فسلك مسلك أجداده الأمجاد، وعاش فيها عيش الزهاد، ما بنى فيها داراً، ولم يخلف عقاراً، حتى أنه لم يكن له لماً أدركناه خادم يخدمه، بل كان يذهب إلى السوق بنفسه لشراء حوائجه، والطلبة حاقون به يسألونه عما أشكل عليهم من درسه، وهو واقف على باب بعض الحوائت.

وكان مع ما منحه الله من الطبع الحرّ والإباء المرّ... في أقصى درجات حسن الخلق والتواضع والتعطف على طلبة العلم، وكانوا يختلفون إليه على اختلاف طبقاتهم واختلاف مراتبهم ومآربهم، حتى أن الأصاغر منهم يقصدونه للسؤال عن بعض عبارات الكتب الابتدائية، فيسمح لهم بالجواب، ويلطفهم في الخطاب، وهو جالس في صحن داره على التراب... .
... هذا، وأما وصف محاسن خلاله و محامد أقواله و أحواله و أفعاله و ما منحه الله من العلم و التقوى و حسن البيان و طلاقة اللسان فإنه يدع سبحان

وائل، وهو أعمى من باقل ... ۲.

... ایشان خود را به صورت کامل وقف علم و عبادت کرده بود و از ریاست دوری می جست و اگر می خواست مرجع تقلید شود به راحتی می توانست به آن دست یابد. ولی او دنیا را همانند هسته ای بی مقدار از دهان به بیرون پرتاب کرد و مانند یک سنگریزه ناچیز به دور انداخت و دوری گزیدن از دنیا را برگزید و آخرت برای او بسیار بهتر از دنیا بود.

راه اجداد بزرگوار خود را در پیش گرفت و همانند زاهدان در این دنیا زندگی کرد و هرگز خانه ای بنا نکرد و اموالی از خود به جا نگذاشت، آن زمان که ما او را دیدیم حتی خادمی نداشت که خدمتگزاری او کند، بلکه همیشه خود برای رفع نیازهایش به بازار می رفت. گاهی در حالی که او بر در دکانی ایستاده بود طلاب علوم دینی پیرامون او حلقه می زدند و از مشکلات دروس خود می پرسیدند.

با وجود آن که خداوند طبعی آزاد و بلند به او داده بود در نهایت درجه خوش خلقی و فروتنی و مهربانی با طلاب علوم دینی بود. از همه طبقات و گروه ها با مراتب مختلف علمی به نزد او می آمدند تا آنجا که طلاب جوان از بعضی عبارت های کتاب های ابتدائی از وی سؤال می کردند و او همچنانکه در حیاط خانه خود روی خاک نشسته بود، با نرمی و گشاده رویی به آنان پاسخ می دادند و بسیار با مهربانی با آنها سخن می گفتند.

آنچه گفته شد اندکی از زیبایی های اخلاقی او بود و وصف همه آنها و بیان زیبایی سخنان و حالات و رفتارهای پسندیده او و آنچه را که خداوند از علم و تقوی و حسن بیان و طلاقت زبان به او داده بود، مجال دیگری می طلبد....

۲. وقایة الأذهان، ص ۱۴۴ - ۱۴۶.

نکته (۱۰۰)

یکی از فقهای معاصر (دامت برکاتهم) در حاشیه اش بر العروة الوثقی در «فصل فی الحیض» می نویسد:

ولكن في صدق القرشية على نساء السادة المنتسبات إلى أهل البيت عليهم السلام في زماننا و أمثالهن إشكالاً قوياً؛ لأن نسبتهن وإن كانت تنتهي إلى قریش، لكن لا تصدق القرشية ولا ينطبق هذا العنوان عليهن، كما أنه لا تصدق عنوان العرب عليهن. فالأقوى جريان حكم الخمسين في حق هؤلاء، نعم طائفة قریش الموجودون في الحجاز المسمون بهذا العنوان محكومة بحكم الستين على مذهب المشهور، ولادخل لهذا الحكم بعنوان السيادة؛^۳

در این زمان در صدق قرشی بودن بر زنان سیده ای که به اهل بیت (ع) منتسب هستند، اشکال محکمی وجود دارد؛ زیرا اگرچه نسبت ایشان به قریش منتهی می گردد، اما قرشی بودن بر ایشان صدق نمی کند و این عنوان بر آنها اطلاق نمی شود همان گونه که به ایشان عرب گفته نمی شود.

پس اقوی آن است که حکم زنان غیر سیده که در پنجاه سالگی یا سه می شوند در مورد ایشان جاری شود، البته به نظر مشهور علما، حکم یا سه شدن در شصت سالگی در مورد طایفه قریشی که در زمان ما در حجاز زندگی می کنند و به این عنوان معروفند جاری است و هیچ ارتباطی با عنوان سیادت ندارد.

روشن است که اشکالی قوی و محکم بدین سخن وارد است و نمی توان

۳. تعلیقات علی العروة، ص ۹۰.

«عربیت» را با «قرشیت» مقایسه کرد؛ زیرا درست است که به کسی که سال‌ها پدر و مادرش و سپس خودش در شهری فارس زبان مانند قم زندگی کرده، دیگر کسی عرب اطلاق نمی‌کند، ولی این عدم اطلاق عربیت، باعث نمی‌شود که دیگر به او «سید» یا «هاشمی» یا «قرشی» هم گفته نشود. به عبارت دیگر، همه احکامی که بر عنوان سادات (یعنی کسانی که از نسل هاشم اند) و قرشیان (یعنی کسانی که از نسل قریش اند) در صدر اسلام بار شده، اکنون هم مترتب است و نمی‌شود گفت چون به نسل آنها در ایران مثلاً هاشمی و قرشی گفته نمی‌شود، پس «هاشمی» و «قرشی» نیستند و بنابراین سهم سادات و حقوق واجب دیگر به آنها تعلق نمی‌گیرد و در پنجاه سالگی نیز یائسه می‌شوند.

خلاصه اینکه هر حکمی که در روایات ما بر عنوان «هاشمی» و «سادات» و «قریش» مترتب شده، امروز هم مترتب می‌شود ولو آنها عرب نباشند و کسی به آنها «عرب» نگوید. نباید «عرب» نبودن را مساوی «هاشمی» نبودن و «قرشی» نبودن گرفت و قیاس این دو به یکدیگر خطا است.